

# جامعة سیاست

مجموعه جامعه و سیاست - ۹

انتشارات شیرازه کتاب ما



سرشناسه	هریس، کوان ۱۹۷۸م، Kevan harris1978
عنوان و نام پدیدآور	انقلاب اجتماعی، سیاست و دولت رفاه در ایران/کوان هریس؛ ترجمه محمدرضا فدایی.
مشخصات نشر: تهران	تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	۱۹۴۶ص:
فروش	.۹
شابک	۶۲۲-۶۲۲-۷۸۴۳-۰۹۶:
وضعيت فهرست نويسى	فیبا:
يادداشت	عنوان اصلی: Asocial: Politics and the welfare state in Iran, 2017
موضوع	ایران—اوپارع اجتماعی—۱۹۷۹-۱۹۹۷۱۳۵۸-۱۳۷۶
موضوع	ایران—اوپارع اجتماعی—۱۹۹۷۱۳۷۶
موضوع	ایران—تاریخ—۱۹۷۹-۱۹۹۷۱۳۵۸-۱۳۷۶
شناسه افزوده	فلایی، محمدرضا، ۱۳۵۶-. مترجم
رده بندی کنگره	HN۶۷۰/.۲:
رده بندی دیبری	۳۰۷۰۹۵۵:
شماره کتابشناسی ملی	۵۸۰۶۷۰۸:



## انقلاب اجتماعی

سیاست و دولت رفاه در ایران

نویسنده: کوان هریس

متترجم: محمدرضا فدایی

انتشارات: شیرازه کتاب ما

تیراژ:

۷۷۰ نسخه

چاپ اول: شهریور ۱۳۹۸

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

تهران، صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۱۱

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: [www.shirazehketab.net](http://www.shirazehketab.net)

# انقلاب اجتماعی

سیاست و دولت رفاه در ایران

کوان هریس

ترجمه

محمد رضا فدایی

این کتاب ترجمه‌ای است از

Kevan Harris

*A Social Revolution*

*Politics and the Welfare State in Iran*

University of California Press, 2017

## فهرست مطالب

یادداشت دیر مجموعه	۷
سپاسگزاری	۱۱
مقدمه	۱۵
فصل اول: آیا دولت نفتی می‌تواند دولت رفاه باشد؟	۴۵
فصل دوم: رَدَایِ پادشاهی	۸۹
فصل سوم: تأسیس دولت رفاهِ ایثارگران	۱۵۱
فصل چهارم: انقلاب ثبیت می‌شود	۲۱۳
فصل پنجم: توسعه و تمایز	۲۵۵
فصل ششم: تبار دولت رفاه ایران	۳۰۷
پایان سخن	۳۶۹
منابع و مأخذ	۳۸۱
فهرست اعلام	۴۱۱



## یادداشت دبیر مجموعه

دستِ کم از میانه قرن نوزدهم میلادی، نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی کوشیده‌اند تا دولت‌های مدرن را به لزوم استفاده از ابزار سیاست‌گذاری اجتماعی برای تحکیم پیوند میان اشار و طبقات اجتماعی ترغیب کرده و بدین‌وسیله، سویه اجتماعی روند ملت‌سازی را در برابر سویه‌های نظامی و فرهنگی آن تقویت کنند. در ادامه همین ترغیب‌ها و تشویق‌های است که دولت‌های مدرن همگی، شاید در پیروی از بیسمارک، اکنون سیاست‌های اجتماعی را همچون ابزاری بهشمار می‌آورند که هم به آنها امکان جلب پشتیبانی و تقویت برخی گروه‌های اجتماعی‌ای را از حکومت و نظام سیاسی شان می‌دهد و هم امکان پیشگیری از تبدیل شدن گروه‌هایی دیگر را به نیروهای متنازع و متخاصم. بنابراین، تصمیم در مورد نوع خدمات اجتماعی ارائه شده، ساختار نظام تأمین اجتماعی و دایرۀ شمولش، همواره هم بخشی از سیاست ملی دولت‌های مدرن را تشکیل می‌داده و هم بخشی از سیاست‌های خاصی که تأمین منافع مشخص گروه یا گروه‌هایی که مسئولیت ادارۀ این دولت‌ها را بر عهده داشته‌اند. از این‌رو، عوامل متعددی در تصمیم

برای انتخاب یک نوع مشخص از ساختار و نظام تأمین اجتماعی، دایرۀ شمول و مسیر گسترش اش دخیل هستند. سطح ستیزه‌جویی گروه‌هایی که برخورداری از خدمات اجتماعی و رفاهی را مطالبه می‌کنند، نوع نگاه مسئولان به توسعه و ثبات، وقایع خاصی که بر سرنوشت ملت‌ها تأثیرهای پایداری می‌گذارند و نهایتاً رقابت سیاسی میان نخبگان سیاسی، همه و همه در زمرة شناخته‌شده‌ترین این عوامل هستند.

آنچه در این میان کم‌تر شناخته شده است، تبعات اجتماعی و سیاسی این تصمیمات است. به عبارت دقیق‌تر، هرچند هدفِ تمامی دولت‌ها در اتخاذ سیاست‌های اجتماعی و رفاهی همواره ایجاد ثبات در روند رشد و توسعه کشور در چارچوب یک نظام سیاسی مشخص است، اما این بدان معنا نیست که افراد و اقسام اجتماعی‌ای که از فرصت به‌دست آمده توسط این سیاست‌ها برای تحرك صعودی اجتماعی خویش بهره جسته‌اند، همواره در همانجهتی ادامه راه دهند و به همان سمت وسویی بروند که دولت‌ها در آغاز کار برای شان مشخص کرده بودند. کتاب حاضر، مروری است بر تاریخ سیاست‌های اجتماعی و رفاهی اتخاذ شده توسط دولت‌های ایران از هنگام تأسیس حکومت پهلوی تا امروز و تبعاتِ خواسته و ناخواسته آن بر تحولات اجتماعی و سیاسی کشور.

کتاب با مروری بر تأسیس اولین نظام تأمین اجتماعی در ایران در دوران سلطنت پهلوی آغاز می‌شود و به بررسی چرایی و چگونگی اتخاذ سیاست‌های اجتماعی در دوران پهلوی اول و دوم می‌پردازد. سیاست‌هایی که اولویت آنها کارمندان و کارگزاران دولتی، سپس کارگران صنایع بزرگ و نهایتاً شهربنشینان بود، یعنی گروه‌هایی که همگی در زمرة آن نیروهای اجتماعی‌ای بودند که قرار بود ثبات سلطنت پهلوی را تأمین و تضمین کنند. همان گروه‌هایی که زمانی که پاسخ مناسبی به مطالبات اجتماعی و سیاسی

جدیدشان که به واسطه تحرک اجتماعی حاصل از آن سیاست‌ها ایجاد شده بود نگرفتند، به نیروهای اجتماعی‌ای پیوستند که در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به نظام سلطنتی در کشور پایان دادند.

نویسنده سپس به تفصیل به عوامل متعددی می‌پردازد که باعث انکشاف سریع نظام تأمین و رفاه اجتماعی در حکومت برآمده از انقلاب ۱۳۵۷ انجامید. تأکید بر حفظ و پایداری بسیج اجتماعی‌ای که به انقلاب ۱۳۵۷ متنه‌ی شد، قرار حکومت نوپا به بهبود شرایط زندگی در روستاهای رعایت شد، خانواده شهدا و ایثارگران، همگی نه فقط بر چگونگی گسترش اقشار و گروه‌های تحت پوشش تأمین اجتماعی و برخوردار از خدمات رفاهی تأثیر گذاشتند، که بر شکل‌دهی به ساختار این نظام که تعدد نهادهای مسئول در این زمینه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است نیز مؤثر بوده‌اند. با پیگیری این مسیر، نویسنده کتاب تلاش می‌کند که نقاط قوت و ضعف این ساختار ویژه را در ارتباط با نیازهای متغیر جامعه در چهار دهه اخیر نشان دهد. نیازهایی که از جمله خود این نظام تأمین و رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل در بوجود آمدنش، به ویژه نزد گروه‌هایی بوده است که از فرصت‌های به دست آمده توسط آن، برای حرکت صعودی اجتماعی خویش بهره گرفته و آن هنگام که مجالش را می‌یابند - همچون در دوره‌های انتخاباتی - به طرح و مطالبه آنها اقدام می‌کنند.

مراد ثقفى



## سپاسگزاری

کتاب حاضر، سیاست‌های اجتماعی و سازمان‌های رفاهی ایران را دریچه‌ای می‌داند به سوی شناخت پویایی شگفت‌انگیز تغییرات اجتماعی و سیاسی در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷. جرقه این پروژه تحقیقاتی را یک مشاهده ساده ایرانی که من شخصاً دیدم و تجربه‌اش کردم بسیار متفاوت از ایرانی بود که به واسطه روزنامه‌ها و پژوهش‌ها شناخته بودم. به دلیل کمبود پژوهش ثانویه درباره سیاست‌های اجتماعی در ایران، مطالعه دولت رفاه پس‌انقلاب بسیار دشوار بود. با اینهمه به‌رسم معمول پژوهش‌های میدانی می‌خواهم از کسانی که امکان نظری و عملی انجام این پروژه را برایم فراهم آوردن قدردانی کنم.

با استفاده از کمک‌هزینه شورای پژوهشی علوم اجتماعی برای انجام رساله‌های بین‌المللی که بنیاد اندرود می‌لون تأمین مالی اش کرد، فرصت انجام این پژوهش میدانی بلندمدت را یافتم. با توجه به افزایش تحريم‌ها بر ایران (۱۳۹۴ تا ۱۳۸۶) شاید این تنها فرصتی بود که می‌توانست به دست آید. با حمایت مؤسسه صلح آمریکا از نگارش رساله‌ها، با هر مكافاتی که بود

توانستم از طریق آرشیوها، مصاحبه‌ها و روزنامه‌های فارسی‌زبان به انبووه داده‌های اولیه دست یابم. استاد راهنما و قهرمان فکری ام جیوانی آریگی و همسرش بورلی سیلور در نخستین گام‌های این پروژه هادی من بودند. متأسفانه آریگی در سال ۲۰۰۹ درگذشت. او به من آموخت که مثل جامعه‌شناس تاریخی به مسائل نگاه کنم. گرچه شاید این عنوان، تنافض آمیز به نظر آید اما می‌توان آن را توجیه و از آن دفاع کرد. جوئل آندره‌آس، رینا آگاروالا، ولید حزبون، مارک بلیس و مایکل هنرورد مشاوره‌های حیاتی به من ارزانی داشتند. قدردان همکاران دانشگاهی ام هستم که با اشاره به پژوهش‌های میدانی خود در سرتاسر جهان به انجام این پروژه تشویقم کردند: آسترا بونینی، لو ژانگ، دن پاشیوتی، شاهان ساواش کاراتاشلی، شفیکا کومرال، فلیپ فیلومون، فیل هوگ، نیکول آشووف، نورا لوری، آمی هولمز، لینگلی هوآنگ و شائوهوا زان. و نیز تشکر می‌کنم از بن اسکالی و لیز کادینگ به خاطر رفاقت ناب و دلگرمی‌های مهربانانه‌شان.

به عنوان پژوهشگر پُست‌دکتری دانشگاه پرینستون از دانش مایکل کوک، محمد قاسم زمان، برnard هایکل، سیروس شایق، میرjam کونکلر و حسین مدرسی بهره‌های بسیاری بردم. به واسطه آنها به انبووه مطالعات اسلامی در دپارتمان مطالعات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون دست یافتم. در حین نگارش رساله، گفت‌وگو و هماندیشی با اعضای هیئت علمی دانشگاه پرینستون حیاتی بود. از این بابت از استیفن کوتکین، مارک بسینگر، آمنی جمال، ادوارد تیلز، میچل دونیر، میگل سیتینو، آندره‌آس ویمر، آلخاندرو پورتس و جان هالدون تشکر می‌کنم و نیز از ریگان ماراگی، رُز ولمان و مونا رحمانی به خاطر رفاقت و مشاوره پژوهشی‌شان در مرکز مطالعات ایران و خلیج فارس دانشگاه پرینستون سپاسگزارم. در این مرکز، معنا و کارکرد دانشگاه را آموختم. دانشجویان و اساتید پرینستون با روی باز مرا به حضور

پذیرفتند و نکته‌ها به من آموختند و ایده‌های جالب دادند: کوین مازور، دانیال توانا، اریک لوب، کول بانزل، ذاکری فاستر، لیندسى استینفنسون، دیوید ویل، دان شفیلد، صدقه جافر، الور کوربوز و کریستیانا پاریرا.

فهرست کامل دانشپژوهان، روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و اساتید دانشگاه که در این پژوهه یاری‌ام دادند بلندبالا خواهد بود و بیم آن دارم که کسی را از قلم بیندازم و شرم‌سار شوم. از میان ایران‌شناسان خارج سپاس ویژه دارم از یرواند آبراهامیان، اریک هوگلند، آرنگ کشاورزیان، گرتا شارن‌وبر، نورما موروتزی، کاوه احسانی، سعید امیرارجمند، تورج اتابکی، مارال جفروودی، فریده فرهی، چارلز کورزم، علی کدیور، احمد اشرف، جواد صالحی اصفهانی، آصف بیات، والتین مقدم، جان فوران، دان برومبرگ، فرهاد خسروخاور، افшин متن عسگری و بهروز قمری‌تبریزی. تکیه‌گاه من در داخل ایران، دانش محلی و ذکاوت پژوهشی علی سعیدی، رامین کریمیان، مراد ثقفی، کاوه بیات، فاطمه صادقی، محمد مالجو، پرویز صداقت، کمال اطهاری، مصطفی ازکیا، احمد میدری، نرگس براهوی و پرشمار دانشجو و استاد در دانشگاه تهران، شیراز، اهواز، تبریز و شهید بهشتی بود. کتابدارها و پژوهشگران کتابخانه مرکز پژوهش‌های مجلس، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، کمیته امداد امام خمینی(ره) و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی بسیار به من کمک کردند. بسیار مرهون مهربانانی هستم که در ایران یاری‌ام دادند. از نامه‌ربانی‌ها چشم می‌پوشم.

در اوایل مقطع کارشناسی ارشد، اریک آلین رایت استاد جامعه‌شناسی به من گفت که ویژگی پژوهش خوب، کار گروهی است و بدون تبادل گسترش آرا نمی‌توان آن را آغاز کرد. لذا می‌خواهم از برخی هم‌سخن‌نام تشکر کنم: پیتر اوانس، مایکل بوراوی، پاتریک هلر، چینگ کوان لی، ملانی کامت،

ایساک دیوان، ویوک چیبر، جف گودوین، دیوید هاروی، جیهان توآل، کیرن چاودری، روبرت بربر، پری اندرسون، امانوئل والرشتاين، هو-فانگ هانگ، گرگ کلهون و استیون هیدمن.

گنورگی دیرلوگیان متقادع‌دم کرد که جامعه‌شناس شوم. هم او به من گفت که از قصد قبلی ام یعنی تخصص در زمینه آمریکای لاتین بگذرم و بر ایران تمرکز کنم. و سال‌ها در این راه هادی ام شد و یاری ام داد. لذا بسیار رهین منت او هستم و امید دارم بازتاب نگاهش را در این کتاب ببینند. و واپسین نکته آنکه والدین و خواهرم در این سال‌ها عاشقانه پشتیبانم بوده‌اند. کتاب را به آنها تقدیم می‌کنم.